

برسر دوراهی!

در این روزگار مدام شاهد فرود آمدن ریشه بر تن برخی از آدم‌ها هستیم. گاه لرزه‌یین ریشه چنان همه‌گیر می‌شود که تأثیرات آن تصمیمات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی را به ناگاه از این رو به آن روی می‌کند.

پیش از آنکه وزیر آموزش و پرورش گرفتار پیش لرزه‌های تصمیمات گرفته شده قرار گیرد، مقرر شده بود آموزش و پرورش به مانند نهادها و ارگان‌های دیگری که نوبتداری خصوصی‌سازی را نوش جان کرده‌اند قدری از جام بلورین بخش خصوصی در گلویش خشک شده از کمبود اعتبار خود بچکانند تا شاید جانی باشد بر پیکری نحیف و رو به احتضار. اما تجربه ناموفق خصوصی‌سازی از آغاز تا حال اذهان را چنان گرفتار پیشاندازی کرده که حتی پیش از آنکه در صدد نقد اعمال و روش‌های صورت گرفته در این عرصه برآیند در تلاش برآمدند تا صورت مسأله را پاک کنند. در این میان وزیر همیشه در مظان اتهام را که از ابتدای وزارتش پایه‌های صندلی ریاستش در مرکز وقوع لرزه‌های استیضاح قرار دارد را مجبور کردند برای فرار از لرزه‌های جدید اعلام کند: بر اساس ماده ۸۸ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت، تنها طرح‌های عمرانی غیرآموزشی که کار احداث و تکمیل آنها بیشتر از یک سال طول کشیده است، شامل طرح واگذاری می‌شود. بر همین اساس میبایست مراکز، در مانگانه‌ها و خدمات جنتی که از سوی آموزش و پرورش ایجاد شده و به صورت پروژه‌های نیمه‌تمام درآمده‌اند شامل این ماده قانونی می‌شود و طرح‌های مدرسه‌سازی از آنجایی که عمر کوتاه مدت یکساله دارند مشمول این بند از قانون نمی‌شود.

لحفا از جاده خلگی ترده کنید!

طبق آمار اعلام شده نظام آموزشی کشور در طول سال ۱۳۸۱ با کسری بودجه‌ای بالغ بر ۸۵۰ میلیارد تومان مواجه بوده است که حدود ۲ هزار و ۵۰۰ میلیارد ریال کسری فوق مربوط به دیون سال قبل بوده که به سال ۸۱ منتقل شد و چیزی حدود ۲ میلیارد ریال کسری بودجه مرتبط با افزایش حق جذب، بن غیرقصدی و معوقه بازانه مسکن برآورد شده است.

این در حالی است که به موجب اصل ۳۰ قانون اساسی دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد. از همین روی کلاف سردرگم کمبود اعتبار به دلیل ناتوانی دولت در پرداخت بودجه‌ی بیشتر به نظام آموزشی کشور پیچیده‌تر شده و عملاً گرفتار گره‌های کوری می‌شود تا جایی که تنها متفقد روزنه‌ی که به چشم هر مدیری برای خروج از بحران مالی مدرسه تحت مدیریت خود می‌آید استفاده از واژه «مشارکت مردمی» است؛ عبارتی که در آغاز هر سال تحصیلی جدید حرف و حدیث‌های فراوانی را به وجود می‌آورد. چنانکه موضوع دریافت وجه از مردم تحت عنوان مشارکت‌های مردمی برای اداره مدارس از موضوعات داغ مطبوعات و رسانه‌های کشور می‌شود و در این گیرودار

مسئولان مرتبط دایماً پشت تریبون‌های اطلاع رسانی قرار گرفته و بر غیرقانونی بودن دریافت وجه از مردم تأکید می‌کنند و خانواده‌ها نیز برای ثبت نام فرزندان خود تحت هر عنوان وجه مورد نیاز مدارس را می‌پردازند. در واقع تفکر عدالت‌جویانه مستتر در نظام آموزشی کشور که بهره‌مندی از آموزش همگانی را برای تمامی افراد جامعه به رایگان تلقی می‌کند، مدیران آموزشی را بر آن می‌دارد که به جای ترده از جاده ممنوع استفاده از توانایی‌های بخش خصوصی، از جاده خاکی «مشارکت مردمی» استفاده کنند. مشارکتی که در نهایت موجب بلینی مردم به نظام آموزشی کشور می‌شود.

یکه وزیر و چندین پاشنه آشیل!

اگرچه روزنامه جام جم (۱۸ اردیبهشت ۸۲) با تیر بزرگ در صفحه اول خود اعلام کرد: «سرانجام خصوصی‌سازی مدارس متفی شد.» اما اعلام این خبر نیز نتوانست عکس‌العمل برخی از نمایندگان برای پیدا کردن پاشنه آشیل جدید از وزیر همیشه در معرض استیضاح را از بین ببرد تا اینکه بیش از ۵۰ نماینده مجلس طرح جلوگیری از خصوصی‌سازی مدارس دولتی را تقدیم مجلس کردند.

نماینده مردم همدان در مجلس شورای اسلامی با اشاره به این موضوع اعلام کرد: «طرح یک فوریتی الحاق یک تبصره به ماده ۸۸ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت در جلسه علنی فردا (۱۸ خرداد ۸۲) تقدیم هیات ریسه خواهیم کرد تا نخستین گام را برای افشای یک جریان فرصت طلب برداریم.»

هر چند وزیر آموزش و پرورش یک هفته پیش از این اتفاق خود اعلام کرده بود که اجرای ماده ۸۸ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت شامل واگذاری مدارس به بخش خصوصی نمی‌شود اما گویی در این گیرودار تنها صدایی که به گوش نمایندگان طرح مخالفت با خصوصی‌سازی مدارس نرسید، همان حرف‌هایی است که آن‌هایی توجه به حرف‌وزیر بر زبان و اندند. به همین دلیل بود که حمیدرضا حاجی‌بابایی که پیش از این نیز در مجلس با وزیر آموزش و پرورش به بحث پرداخته بود گفت: «بر اساس ماده ۸۸، دولت فقط می‌تواند در چارچوب اصول ۳، ۲۹ و ۳۰ قانون اساسی، بخش خدمات را در آموزش فنی و حرفه‌ای، درمان و... با هدف کاهش تصدی‌گری خود به بخش خصوصی واگذار کند، اما متأسفانه وزارت آموزش و پرورش قصد دارد تا از اول مهرماه امسال تعدادی از مدارس درجه یک را در اختیار بخش خصوصی قرار دهد.» او می‌آنکه فرست تبه شده بهترین مدارس تهران برای واگذاری به بخش خصوصی را اعلام کند افزود: «نمونه‌ی از فرست‌هایی که به دستمان رسیده نشان می‌دهد افراد فرصت طلب از ماه‌ها پیش مدارس صاحبانم تهران را گلچین کرده‌اند تا در فرایند به اصطلاح خصوصی‌سازی مدارس، آنها را در اختیار خود بگیرند. همان

عناصری که در بدنه آموزش و پرورش در طراحی و شارژ بحث خصوصی‌سازی مدارس نقش داشته‌اند، از ماه‌ها قبل مدارسی را برای خود نامزد کرده‌اند تا بتوانند بموقع اهداف سودجویانه‌شان را تحقق بخشند.

توپ خصوصی‌سازی در حیاط آموزش‌ها!

هنوز توپ خصوصی‌سازی مدارس در زمین آموزش کشور در حال قل خوردن بود که به ناگاه این توپ وارد زمین آموزش عالی کشور شد.

طرح «توسع بخشی به خدمات آموزشی و پژوهشی دانشگاه‌ها که عملاً هیچ نام و نشانی از واژه خصوصی‌سازی را در خود جای ننداده است زمانی در دستور کار آموزش عالی قرار گرفت که هیات امنای دانشگاه‌های سراسر کشور در ماه‌های پایانی سال ۸۱ در اصفهان گردهم آمدند تا در خصوص مسائل و مشکلات دانشگاه‌های تحت مدیریتشان به بحث و تبادل نظر بپردازند.

حاصل آن نشست، تصویب طرحی بود که اجازه ورود دانشجویان در قبال دریافت پول تحت عنوان «نوبت دوم» به دانشگاه‌ها را مجازی شمرد. سیاستی که اجرای آن به عهده مدیریت هر دانشگاه گذارده شد تا راهکارهای اجرای آن را مطابق با شرایط ویژه دانشگاهی خود طراحی کند.

این در حالی است که طبق آمار بازها تکرار شده از سوی مسئولان تنها ۲۲ درصد از جوانان به آموزش عالی دسترسی دارند. در شرایطی که در کشورهای توسعه‌یافته این نسبت به بالای ۹۰ درصد می‌رسد. در واقع طبق استانداردهای جهانی ۷۸ درصد از جوانان ایرانی خواهند ورود به دانشگاه پس پشت درهای بسته دانشگاه‌ها جا می‌مانند.

رودفاهایی که به دریای توسعه می‌ریزند!

اگرچه وزیر آموزش و پرورش پیش از آنکه تعدادی از نمایندگان مجلس او را مورد بازخواست قرار دهند پا به میدان بحرانی خصوصی‌سازی نظام آموزشی گذاشت و اعلام کرد خصوصی‌سازی در آموزش و پرورش متفی است اما وزیر علوم، تحقیقات و فناوری زمانی پرچم صلح و آرامش را برافراشت که دیگر معترضان دانشجو در کوی دانشگاه پرچم خصوصی‌سازی را برافراشته بودند. معین پس از شنیدن این اتفاق و رویار شدن با التیبات موجود در دانشگاه‌ها بسرعت درصدد برآمد و از تاختانه تحت تصدی خود را شفاف سازد و در این خصوص گفت: «به هیچ‌وجه قصد واگذاری دانشگاه‌ها به بخش خصوصی را نداریم و تنها در صدد منابع درآمندی دولت را متنوع کنیم، به نظر می‌رسد چنین اقدامی کاملاً به نفع دانشگاه است چرا که اقتصاد ماتک محصولی و وابسته به نفت است به همین خاطر نمی‌توان به منابع درآمندی آن متکی بود.»

صمدسال پیش وقتی که بوی توطئه مدرنیته به مشام ایرانیان رسید کمتر کسی گمان می‌کرد که پس از گذشت یک قرن همچنان این طراوت و تازگی اولیه خود را داشته باشد. این در حالی

است که طبق آمار اعلام شده از سوی بانک جهانی در ۶۳ کشور صادرکننده موادخام، سهم منابع انسانی از ثروت ملی ۳۶ درصد است و در ۲۹ کشور صنعتی جهان، سهم منابع انسانی ۶۷ درصد ثروت ملی را تشکیل می‌دهد. همچنین ۴۴ درصد از سهم ثروت ملی کشورهای صادرکننده موادخام، منابع طبیعی به شمار می‌رود در صورتی که برعکس این موضوع، سهم منابع طبیعی از ثروت ملی در کشورهای صنعتی ۱۷ درصد برآورد شده است. به عبارت دیگر کشورهای صادرکننده موادخام که توانایی تکنولوژی لازم برای فرآوری و بالابردن ارزش افزوده موادخام خود را ندارند، همچنان بر شاخص‌های طبیعی در میزان ثروت ملی تاکید دارند.

در واقع تناقض و شکاف به وجود آمده در افزایش توسعه انسانی در ایران و کاهش استفاده از ثروت‌های طبیعی زمانی نمایان می‌شود که بدانیم همین حداقل شاخص توسعه انسانی در ایران به دلیل عدم توانایی ساخت سیاسی و اجتماعی در پاسخگویی به نیازهای افراد تحصیلکرده داخل موجب سرریز شدن آنها به دریای توسعه یافته بیرون مرزهای ایران شده است. افرادی که فکر و دانش خود را مدیون صرف منابع طبیعی داخل هستند.

کودک عدالت‌خواه نظام آموزشی، رو به احتضار!

لرزه‌های خصوصی سازی چنان به کمال ظهور یافت که چیزی از یک زلزله هفت ریشتری کم نداشت. چنانکه هیچکس در ابتدا فکر نمی‌کند پرچم خصوصی ایران به هنگام کوبیده شدن بر زمین زلزله خیز دانشگاه‌ها چنین التهاباتی را به همراه داشته باشد.

هرچند که وزیر علوم معتقد است در شرایط بد اقتصادی همه بخش‌ها مجبور می‌شوند وابستگی خود به بخش دولتی را کاهش دهند به همین دلیل ما درصددیم قبل از وقوع اتفاق وابستگی کامل دانشگاه‌ها، منابع درآمدی دولت را تا ۳۰ درصد کاهش دهیم. اما او هیچگاه به این موضوع که چگونه می‌شود از افزایش خروجی دانشگاه‌ها استفاده کرد صحبتی به میان نیلورد. و شاید دانستن این موضوع که ایران توان استفاده از خروجی دانشگاه را ندارد بود که مصطفی معین در خصوص ریشه‌یابی علت ناآرامی‌های دانشگاه مجبور شد اعلام کند: «نخستین دلیل تظاهرات وجود زمینه‌های مساعد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در کشور است که شما نیز دلیل آن را به درستی می‌دانید.»

در این روزگار رعشه براحتی برتن برخی فرود می‌آید که گاه لرزه این رعشه چنان همه‌گیر می‌شود که تأثیر آن حتی زمین دانشگاه‌ها را به لرزه درمی‌آورد و تصمیمات گرفته نشده چنان در نطفه خاموش می‌شود که کودک عدالت‌خواه نظام آموزشی گویی برای همیشه روبه احتضار می‌رود. خصوصی سازی همان کودکی بود که اگر چه چهره‌ی سرمایه‌سالارانه به خود گرفته بود اما منفذی است که می‌توانست تسریع دهنده عدالت در نظام آموزشی باشد که همه چیز را به صورت برابر برای همه افراد از فقیر گرفته تا سرمایه‌دار تقسیم کند.

پانویس: